

محلله‌گرایی در تهران: گامی به سوی شهر انسان‌گرا

سخن مرکز



ناصر براتی، دکتری شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، مشاور مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
naser_barati2006@yahoo.com

◀ از انواع تقسیم‌هایی که برای فضاهای شهری، از سطح خرد تا کلان، در سراسر جهان در نظر می‌گیرند، به نظر می‌رسد که مقیاس و سطح «محلله» از همه قدیمی‌تر و فراگیرتر است. این فراگیری تصادفی نیست و نشان از اهمیت و ارزش محلله در زندگی بشر دارد. جالب توجه اینکه با وجود پیشرفت‌های شگرف انسانی در امور مختلف شهرسازی و مدیریت شهری، به ویژه در سده‌های اخیر و در قالب مباحث جدیدی چون «توسعه پایدار شهری» و «شهرسازی نوین»، مجدداً مبحث محلله و محلله‌گرایی به اشکال مختلف مطرح شده است. محلله‌گرایی، که اجداد ما در ایران آن را قرن‌ها در زندگی شهرنشینی خود از ارکان تقسیمات فضاهای زیستی خود قرار داده‌اند؛ در رویکردهای امروزی زابیده نگرش سیستمی به محیط‌های زیست شهری تلقی می‌شود. نگرشی که در آن شهرسازی و مدیریت شهری دیگر تنها نمی‌تواند توجه خود را به مسایل کالبدی معطوف کند و در واقع امور مربوط به مسایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی، و به ویژه سلامت روانی و جسمانی شهروندان اهمیتی بیش از امور کالبدی و سخت‌افزاری یافته‌اند. به همین علت نگاه و روش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از بالا به پایین کارایی خود را به طور کامل از دست داده است. عدم توجه به موضوع محلله به عنوان یک واحد زنده و پویای اجتماعی باعث شده افراد و گروه‌ها حق انتخاب خود را از دست داده و در عرصه اجتماعات کوچک به صورت افرادی منفعل در آیند. این امر مسلماً در افزایش از خودبیگانگی انسان‌ها در جوامع ماشینی امروز نقش به‌سزایی را بازی می‌کند. در حالی که شکل‌گیری واقعی محلله امکان حضور مردم را در حوزه‌های عمومی فراهم می‌آورد و تمرینی بسیار مؤثر برای مشارکت واقعی و نیز نظارت بر امور مختلف خواهد بود. در نتیجه احساس تعلق به مکان و فضا شکل گرفته و بدین ترتیب محلات خواهند توانست نقش خود را در فرایند تمدن‌سازی شهر به خوبی بازی کنند. از سوی دیگر، شکل‌گیری محلات قدم بلندی به سوی تمرکززدایی و موتور محرکی برای اجرایی شدن برنامه‌ها و طرح‌های مختلف توسعه شهری خواهد بود.

در رویکرد محلله‌گرایی سعی شده است که ترکیب و تلفیق بهینه‌ای از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با زیرساخت‌های شهری از جمله نظام‌های حمل و نقل شهری، ایمنی و امنیت شهری، ارابه و توزیع خدمات عمومی و رفاهی و امثالهم فراهم آید. بنابراین می‌توان انتظار داشت که توجه به رویکرد محلله‌گرایی، در صورتی که این کار تنها به تعیین محدوده فیزیکی و نام‌گذاری و نظیر آنها ختم نشود، علاوه بر انسانی‌تر کردن مقیاس عرصه‌های زندگی شهرنشینان، تسهیل‌کننده اجرای برنامه‌ها و طرح‌هایی خواهد بود که مدیریت‌های شهری ما در ایران همیشه آرزوی تحقق آنها را در سر می‌پرورانده‌اند. ضمن آنکه، تجربیات تاریخی و جهانی نیز نشان می‌دهند که شکل‌گیری محلات، به شکل بارزی، از میزان تنش‌ها، ناامنی‌ها، ناپهنجاری‌ها و تخلفات اجتماعی خواهد کاست. «مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران» با تعیین موضوع «محلله پایدار» برای ویژه‌نامه پیش رو سعی بر آن دارد تا یک بار دیگر توجه مدیران شهری، شهرسازان و شهرنشینان را به این موضوع حیاتی جلب کند. مسلماً مقالات ارابه شده در این مختصر نخواهند توانست که تمامی ابعاد مختلف این مبحث را پوشش دهند ولی امید است که مدیران محترم شهری در هر سطحی از تصمیم‌گیری عنایتی بیش از پیش به مقوله «محلله» و «محلله‌گرایی» داشته باشند ■